

بزرگداشت مرحوم آیت الله طالقانی در حسینیه ی ارشاد
دکتر محسن کدیور: در اندیشه دینی، عدالت ضابطه مشروعیت زمامداری است

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

سرویس سیاسی

مراسم بیست و دومین سالروز درگذشت مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی، روز پنجشنبه در حسینیه ی ارشاد با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین محسن کدیور، دکتر هاشم آجاجری و علیرضا علوی تبار برگزار شد.

به گزارش خبرنگار سیاسی ایسنا، دکتر محسن کدیور طی سخنانی با بیان این مطلب که به گفته ی اولیای دین، عدالت، حیات احکام دینی است، در زمینه ی عدالت به ویژه در ارتباط با قدرت سیاسی، حکومت و زمامداری، گفت: در اندیشه دینی، عدالت ضابطه مشروعیت زمامداری است. وی افزود: بدون تأمین عدالت، حکومت و دولت فاقد اعتبار و حقانیت است، حق امر ندارد و مردم از حکومت غیر عادل، وظیفه اطاعت نخواهند داشت.

وی ظلم و تبعیض را نقاط مقابل عدالت خواند و گفت: یک حکومت سالم، حکومتی عادلانه است و حکومت بیمار حکومتی ظالمانه خواهد بود، بنابراین ضابطه سلامت یک حکومت عدالت ورزی و دادگری آن است و بزرگترین نشانه بیماری یک حاکمیت، دست یازیدن به ظلم است.

کدیور همچنین با بیان این که «فارغ از سلامت حکومت، مشروعیت نیز تابع عدالت است» با اشاره به حدیثی نبوی، گفت: زمامداری با کفر امکان بقا دارد اما با ظلم دوام نخواهد یافت. چه بسا حاکمیتی دینی باشد اما عدالت نوزد، آنچه باعث بقای حکومتها می شود، پایبندی آنها به عدالت است. به فرموده ی پیامبر اگر حتی حکومتی غیر دینی باشد، اما عدالت را سرمایه ی عمل خود قرار بدهد، امکان بقا دارد ولی اگر حکومتی عدالت را زیر پا نهد و به ظاهر دین داری کند، امکان بقا نخواهد داشت.

وی درباره ی نسبت بین دین و عدالت گفت: عدلیه معتقد است عدالت امری ماقبل دینی است چرا که عدالت را آدمیان می فهمند و این گونه نیست که کورکورانه باید حکمی را پذیرفت، چون گوینده ای عظیم الشان دارد. عقل انسان که رسول باطنی ماست، به گونه ای طراحی شده که عدالت را می فهمد و به سویی آن متمایل است پس اگر پذیرفتیم که عدالت امری قابل فهم عمومی است، آنگاه می باید به افکار عمومی در برداشت از عدالت اعتنا کرد، چون مردم عدالت را می فهمند و هر چیز عادلانه ای را که یافتند، آن را می پذیرند. باید در فهم عدالت به افکار عمومی اعتنا کرد و به شکل علمی و دقیق تر، می باید به سیره عقلا بر عرف عالمان در برداشت از عدالت در هر زمان توجه کرد. مقیاس عدالت آن است که عرف عالمان هر زمان درک می کنند و ارایه می نمایند.

به گزارش خبرنگار ایسنا، این استاد دانشگاه افزود: اگر نبض افکار عمومی به دست عرف اهل علم باشد، می توان گفت که در هر زمان این افکار عمومی و به شکل اخص، سیره ی عقلا، عرف اهل علم آن زمان است که مشخص می کند شاقول عدالت در هر زمان چیست؟.

وی ادامه داد: در هر عصری باید از مردم به شکل دقیق تر از اهل علم - همه ی متخصصان و فرهیختگان - پرسید که آیا این امر عادلانه است یا نیست و اگر در عصری، افکار عمومی امری را عادلانه ندانست یا عرف اهل علم زمانه ای مثلا اکثر حقوقدانان یک جامعه، عملکردی را عادلانه

ندانستند، قطعاً آن امر عادلانه نیست.

کدیور در تعریف عدالت گفت: عدالت امری است که با حق، ارتباط مستقیم دارد، لذا امر عادلانه، امری است که حقوق انسانی را رعایت کند و در آن حق به ذی‌حق داده شود؛ پس عدالت را نمی‌توان شناخت مگر این که حقوق انسانی را بشناسیم. امروز امری به نام حقوق بشر مطرح است؛ حقوق بشر در عصر ما به سیرهی عقلاً نزدیک شده است، یعنی عرف اهل زمان ما، حقوق بشر را به ارزش و هنجار تبدیل کرده است و اگر دینداری می‌پندارد که این حقوق دینی نیستند، می‌باید اثبات نفي این امر عقلایی را بنماید و اثبات کند که در اثر چه این حقوق عقلایی هستند، اما به این دلیل یا ادله، دینی نیستند.

کدیور تصریح کرد: عدالت یعنی ایفای حقوق انسانی، اما ظلم یعنی تضییع حتی یک حق انسانی و این تکلیف حکام را بسیار دشوار می‌کند چرا که برای عدالت ورزی می‌باید همه‌ی ابعاد و زوایای حقوق انسانی را رعایت کنند. وی تأکید کرد: مهمترین ویژگی حکومت عادلانه، رعایت حقوق انسانی همه‌ی شهروندان است، اعم از این که چه دینی، جنسی یا عقیده‌ای دارند و مخالف یا موافق هستند چرا که در زمامداری عادلانه، شهروندان به خودی و غیرخودی تقسیم نمی‌شوند. در یک جامعه‌ی عادلانه، تحت یک دولت عدالت پیشه، دادگستر، سه امر بسیار خواستی و کمیاب قدرت، ثروت و معرفت، باید عادلانه تقسیم شود. افکار عمومی هر جامعه‌ای این را می‌داند که به فرموده‌ی حضرت علی(ع) اگر کوه ثروت و دره‌ی فقر وجود داشت، آن جامعه از عدالت دور شده است.

استاد دانشگاه تربیت‌مدرس افزود: اگر تمرکز ثروت فساد می‌آورد، تمرکز قدرت نیز بی‌محابا فساد خواهد آورد.

عدالت اقتضا می‌کند که هر نیروی سیاسی، متناسب با وزنه‌ی اجتماعی‌اش دارای قدرت باشد. کسی که ۱۰ درصد پشتوانه‌ی افکار عمومی را دارد، حق دارد که فقط ۱۰ درصد قدرت را در دست داشته باشد و نیرو و فکری که بیش از ۸۰ درصد اقتدار اجتماعی را دارد، می‌باید ۸۰ درصد قدرت سیاسی را هم در دست داشته باشد. اگر معرفت و توزیع اطلاعات در جامعه‌ای به شکل عادلانه توزیع نشد و دولت‌ها این امر را انحصاری خود کردند، قطعاً از عدالت دور خواهند شد. پس حاکمیتی عادلانه است که تمامی حقوق شهروندان را رعایت کند، به چنین حاکمیتی در عرف رایج عصر ما، حاکمیت دموکراتیک یا مردمسالار گفته می‌شود. مقابل حاکمیت دموکراتیک، حاکمیت استبدادی غیر عادلانه است.

کدیور خاطر نشان کرد: مقابل حاکمیت مردمسالار، حاکمیت گروه سالار است؛ اگر به جای این که اراده‌ی ملی زمام جامعه را به دست داشته باشد، اراده‌ی یک قشر، طبقه، گروه خاصی تنها جامعه را اداره کند، این حاکمیت اشرافی سالاری خواهد بود که قطعاً حاکمیت مردم سالار نخواهد بود، لذا اندیشه‌هایی مانند اندیشه‌ی افلاطون که به فیلسوف سالاری تمایل دارند، نمی‌توانند دم از حاکمیت دموکراتیک و در نتیجه حاکمیت عادلانه بزنند. حاکمیت عادلانه، حاکمیت دموکراتیک است و یک‌سالار نخواهد بود؛ مراد از یک‌سالاری این است که تمرکز قدرت سیاسی در یک فرد محقق شده باشد. او به جای همه‌ی مردم تصمیم بگیرد و مصلحت جامعه را به جای این که به عقل جمعی جامعه بسپارد، خود به جای مردم تشخیص دهد. بین این که تشخیص مسایل عمومی آیا به دست عقل جمعی جامعه باشد یا این که در دست یک فرد و منصوبان او باشد، تفاوت بین دو روش و منش سیاسی، رقم می‌خورد؛ یکی روش استبدادی و دیگری روش مردمسالاری.

کدیور درباره‌ی چگونه به قدرت رسیدن و ترک زمامداری عادلانه گفت: قطعاً یک زمامدار عادل نمی‌تواند از طریق زور، ارعاب و خشونت به قدرت برسد و به عبارت دیگر، حکومتی عادلانه است که زبیده‌ی جامعه باشد و با رأی آزاد و اختیار شهروندان آن جامعه به قدرت رسیده باشد. زمامداری

عدالانه به شيويه مسالمت‌آمیز قدرت را نیز ترك مي‌كند و براي ترك مسند قدرت، نيازي به عزراييل يا كودتا و شورش ندارد. از مهمترين ويژگي‌هاي نظام عدالانه اين است كه حاضر باشد به سادگي مسند قدرت را ترك كند. اگر در جامعه‌اي افراڊي پنداڤتند رسالت و مسؤليت‌هاي خاصي به عهده‌ي آنها نهاده شده و بدون آنها مردم به انحراف كشيده مي‌شوند، قطعاً شياطين بر آنها مسلط مي‌شوند و مي‌بايد آنها باشند تا اداره‌ي جامعه را بر عهده گيرند و مسؤليت شرعي در بين دينداران و يا مسؤليت ايدئولوژيك در بين ايدئولوژيست‌ها، اقتضا مي‌كند كه آنها هرگز مسند قدرت را به سادگي ترك نكنند، مي‌توان گفت كه چنين نظامي، عدالانه نيست.

وي افزود: امروز در نظام‌هاي عدالانه براي زمامداري دوران مشخصي نهاده‌اند كه در پايان هر دوره مردم دوباره با مشاركت خود، در هر محدوده‌ي زماني، مي‌بايد اين رجوع به افكار عمومي و نماينده‌ي مردم بودن تكرر شود. ميثاق دوباره مردم با مديران، بايد به شكل نهادينه اثبات شود، اين اثبات در رژيم‌هاي دموكراتيک، با تجديد انتخابات در تمامي سطوح قدرت امكان‌پذير است. اين كه در جامعه‌اي تنها بخشي از قدرت دست به دست بگردد و اكثر قدرت، يك بار براي هميشه در دست عده‌اي باشد، قطعاً نمي‌تواند نشانه‌ي يك روش عدالانه در اداره‌ي جامعه تلقى شود، خداوند با هيچ كسي عقد اخوت نبسته است كه يك رأي براي هميشه بتواند چنين ويژگي‌هايي را داشته باشد.

وي همچنين درباره‌ي چگونگي زمامداري عدالانه گفت: عدالت در زمامداري، احقاق حقوق مردم است، مهمترين حقوق، حقوق عمومي جامعه است نه حق اين يا آن. در يك زمامداري ظالمانه، هر مخالفتي با حاكميت و زمامداران، جرم شناخته مي‌شود، هر انتقادي از حاكميت، جرم بوده به مجازات متناسب آن خواهند رسيد، اما در يك جامعه‌ي عدالانه، انتقاد از حاكميت نه تنها جرم نيست، بلكه يكي از وظائف قانوني شهروندان است. در يك جامعه‌ي معتبر ديني، امر به معرف و نهي از منكر را به عنوان فريضه شمره‌اند. انتقاد كردن هرگز بر اندازي محسوب نمي‌شود، زمامدار عادل مي‌بايد مخالفانش را به رسميت بشناسد و به آنها حق بدهد كه به طور مسالمت‌آميز و قانوني فعاليت كنند تا بتوانند به اكثريت تبديل شوند، لذا مبارزه‌ي قانوني براي رسيدن به اكثريت يكي از ضوابط جامعه‌ي عدالانه است و هرگز بر اندازي محسوب نمي‌شود و هر كسي مي‌خواهد هم دم از عدالت بزند، بايد به اين نكات توجه كند.

كديور همچنين گفت: زمامداري عدالانه بدون قانون عدالانه محقق نمي‌شود، قانوني است كه در آن حقوق انسان‌ها به رسميت شناخته شده باشد؛ براي هيچ طبقه و شخصي، حق ويژه در نظر گرفته نشده باشد، امكان تغيير آن به شكلي مسالمت‌آميز وجود داشته باشد، تفسير آن به عهده‌ي عقلاي جامعه و عالمان همسو با آن جامعه باشد و در مجموع قانون عدالانه، تفسير عدالانه مي‌خواهد.

وي درباره‌ي قضات چنين جامعه‌اي گفت: زمامداري عدالانه بدون قضاوت عدالانه محقق نمي‌شود و قضاوت مهمترين ركن دادگستري در يك جامعه است؛ اگر قانون عدالانه و مجري عادل هم داشته باشيم اما قضاوت عدالانه نداشته باشيم، قطعاً اين جامعه نمي‌تواند دم از عدالت بزند.

به گزارش خبرنگار ايسنا، وي در ادامه گفت: قضاوتي عدالانه است كه در آن شهروندان امكان دادرسي عدالانه داشته باشند. بازداشت بايد به شكل قانوني باشد، بازداشت موقت اجاره ۹۹ ساله نيست كه هر زمان تا هر زماني كه اراده كنند، فردي را بتوانند در بازداشت نگه دارند؛ اگر در قانون امري به عنوان زندان انفرادي پيش‌بيني نشده است چه كسي جرأت مي‌كند كه شهروندان جامعه را به چنين زنداني بيفكند، همچنين امكان داشتن وكيل در تمام مراحل بازجويي به ويژه قبل از اثبات حكم، يكي از ضوابط دادرسي عدالانه است. قضاوت عدالانه، قضاوتي است كه افكار عمومي از آن، شائبه‌ي سياسي بودن احساس نكنند، اگر اكثريت حقوقدانان يك جامعه، قضاوت را در آن جامعه، عدالانه ندانند، قطعاً آن قضاوت عدالانه نيست.

استاد دانشگاه تربیت مدرس ادامه داد: اگر توانستیم به نحوی امنیت را در جامعه محقق کنیم که مردم به ویژه مخالفان حکومت در پناه قانون احساس امنیت کنند، آن وقت عدالت محقق شده است.

وی درباره‌ی نسبت بین عدالت و حکومت دینی اظهار داشت: هر حکومت دینی لزوماً عادلانه نیست؛ امروز مدعیان زیادی در جهان ادعای حکومت دینی دارند، از طالبان در افغانستان تا حکامی در شرق و جنوب ما و کشورهای دیگری به نام اسلام و حکومت اسلامی که در جهان هستند. اگر امروز حکومت دینی مترادف با اجرای احکام شریعت شده باشد، بی‌شک همسایگان ما از ما پیشتر هستند برخی هم حسرت آنها را می‌خورد که چرا ما به پای آنها نمی‌رسیم؛ پرسیدنی است که آیا واقعا با اجرای صورت احکام، عدالت محقق می‌شود؟ آنچه ارزش دارد، این است که احکام اسلامی در طریق عدالت باشد، حال آن که اگر مقدمات فرهنگی اجرای احکام متعالی اسلام را رعایت نکرده باشیم، صرفاً با اجرای صوری آنها، عدالت برقرار نخواهد شد. عدالت پروری و دادگستری کار ساده‌ای نیست، اما اجرای ظاهری احکام بسیار ساده است. تبدیلی نکنیم و چون نتوانسته‌ایم آن ضوابط رفیع عادلانه را محقق کنیم، به ظاهر احکام اکتفا کنیم که بین این و آن تفاوت، فراوان است. حضرت امام (ره) در یکی از آثار خود ذکر می‌کند که احکام دینی طریقی برای بسط عدالت است و می‌باید مقصد را محترم شمرد.

وی به نقل از مرحوم آیت‌الله طالقانی گفت: هدف بعثت انبیا، بسط عدالت است و انبیا نیامده‌اند که مردم را به زور به بهشت ببرند، بلکه آمده‌اند تا خود مردم عدالت را برقرار کند و کسی نمی‌تواند با زور جامعه را به جایی ببرد؛ باید جامعه را قانع کرد که این روش به نفع و مصلحت آنهاست. دکتر کدیور در پایان اظهار داشت: درس طالقانی، اسلام رحمانی و اقناعی در مقابل اسلام خشن و اجباری است و امروز هم به پیام، اندیشه و برداشت طالقانی از اسلام یعنی برداشتی آزادی‌خواه، عدالت‌طلب، رحمانی و اقناعی از اسلام نیاز داریم.